



Photo : Editions Skira, Genève. Coll. Musée d'Art moderne du Collège Saint-Pierre, Port-au-Prince

پرفت دوفو (متولد سال ۱۹۲۳) یکی از استادان نقاشی «ابتدایی» یا عامیانه‌هائیتی است. او در این بندر یا شهر خیالی (تصویر بالا) بار دیگر تمامی نیروی تخیل خود را نمایان ساخته است. ذوق تفننی بسیار آزادانه و باروری سبب گردیده که این هنر در روح مردم هائیتی ریشه‌های عمیقی بدواند.

# فرهنگ هائیتی:

## یک روای عمیق موسیقی

نوشته رنه‌دپستر

با فراوانی مظاهر آن یکی از عناصر تشکیل‌دهنده تاریخ آگاهی و حساسیت مردم هائیتی بشمار می‌رود. ملت ما برای پی بردن به روابط میان ذهن و نیروی تخیل شیوه خاصی برای خود دارد. در هائیتی حتی خواب درختان و سنگها در خیال موجودات زنده گاه شکل یک رؤیای طولانی نغمه‌پرداز و گاه شکل ادب موهوم یکی از خدایان شب را بخود می‌گیرد. صدای خدایان را در پدیده‌های معجزه‌آسای خورشید و باران، در صدقهای دریایی، ماهیهای رودخانه‌ها و پالهای مرغان مگس‌خوار و پروازها می‌توان شنید. عوامل زمینی و اجتماعی جهان هائیتی در برابر مسئله غامض بردگی و آکنشی بوده‌اند که بسط و گسترش یافته و سرانجام به صورت یک سلسله پیچیده از ارتباطات و تفاهات نمادی یا اسطوره‌یی درآمدند. به عنوان نتیجه این روند که واقعاً با معجزه وابستگی دارد تضادهای واقعیت استعماری نه تنها به ایجاد

چه بسا چیزهایی که در آسمان و زمین وجود دارند که فلسفه تو به اندیشیدن درباره آنها قادر نیست!

شکسپیر

«انسان هر آنچه را که خارق‌العاده است دوست دارد. خود من نیز لحظاتی ناگهان احساس می‌کنم که در حال تن‌دردادن به آن هستم» دیدرو

اگر مفهوم کلمه «خارق‌العاده» عبارت از چیزی است که از نظم طبیعی و معمولی اعمال و اندیشه‌ها متفاوت است پس کشورهای آندکی در جهان وجود دارند که توانسته‌اند در این راه روایاتی با همان شهامت و ظرافتی که قوم هائیتی پیش‌رفته است بجلو برونند. معنای «خارق‌العاده»

رنه دپستر (René Depestre) شاعر، مقاله‌نویس و نویسنده کشور هائیتی که آثار منظوم، داستانها و مقالات تحقیقی فراوان برشته تحریر درآورده است. از جمله آثار وی می‌توان اینها را نام برد: «یک رنگین-کمان برای غرب مسیحی»، «شاعر در کوبا»، «آلویا برای یک زن - باغ» و «دیرک بلند و لغزنده» که بالای آن اشیایی می‌آویزند و مسابقه دهندگان باید از آن بالا روند و آن اشیاء را پایین بیاورند». دپستر مدتی در دانشگاه‌های هاوانا و هندربی (در مونا و جامایک) به تدریس پرداخته و در انتشار دواثر به نام «آفریقا در آمریکای لاتین»، و «آمریکای لاتین از خلال اندیشه‌های مردم آن» با یونسکو همکاری کرده است. او در حال حاضر به‌عنوان مشاور در یونسکو کار می‌کند.

این تصویر نشان می‌دهد که زنان رن‌شیری یکی دیگر از نشان‌های معاصر هائیتی پادشاهان کریستف کلمب را در هائیتی چگونه می‌بینند. کریستف کلمب همینکه طبیعت پر گیاه و سبز و خرم کارائیب را جلوی چشم خود مشاهده کرد فریاد برکشید و گفت: چه منظره شگفت‌انگیزی! انعکاس جذابیت وافسون «چیز شگرف و خارق‌العاده» هرگز در هنر و ادبیات هائیتی قطع نگردیده است.

Photo © Editions Skira, Genève



توسن لوورتور در هفتم آوریل سال ۱۸۰۳ در دژ «ژو» واقع در زورای فرانسه جان سپرد. این فرمان‌نمادار استقلال هائیتی طبق دستور ناپلئون امپراطور فرانسه دستگیر گردیده و به فرانسه تبعید شده بود. تصویری از واپسین لحظات عمر این ناپلئون سیاهپوست که در پایین مشاهده می‌کنید توسط یکی از هنرمندان ناشناخته آن زمان نقاشی شده است.

Photo P. Bastin © Explorer, Paris



جامعه سری رودو (اعضای این جامعه مراسم مذهبی جادوگرانه‌یی انجام می‌دادند که در طی آن حالت خلسه به آنها دست می‌داد) بلکه به اشکال رؤیاآسایی از گفتار و رفتار نیز منجر گشته که در آن بهترین و بدترین جنبه‌های شرایط انسانی وقتی با یک شدت غیرعادی با هم تصادم نمی‌کنند با یگانگی در کنار هم بسر می‌برند.

این واقعیت حیرت‌انگیز هائیتی چیست؟ این واقعیت شامل جریان‌هایی است که در آنچه طبیعی و مافوق طبیعی، مفسده‌جویانه، عاشقانه، توصیف‌ناپذیر، پیچ و غیرمنطقی، مسخره‌آمیز، جادوگرانه، زیبا و شگفت‌انگیز است در هم نفوذ می‌کنند و همدیگر را قطع می‌نمایند. این واقعیت روی مذهب و اسرار سیاسی جامعه، حوادث شفاهی فولکلور، ادبیات نوشته شده به زبان فرانسوی و هائیتی‌یی (کرتول)، افسونگری‌های عشق و رقص و موسیقی و با یک شکوه درخشان روی هنرهای تجسمی تأثیر عمیق به جای گذاشته است.

سپیده‌دم یکی از روزهای ماه دسامبر سال ۱۶۹۲، کریستف کلمب که مشاهده‌زیبایی و چشم‌انداز آبی‌رنگ خلیج مکزیک و کوهستانها و آسمان سرزمینی که در جلوی چشم وی قرار داشت میبوش ساخته بود فریاد زد و گفت: «وافتا شکفت‌انگیز است!». در آن روز، این فریاد تعجب در عین حال که جزیره مرواریدگون دیگری را به قلمسرو پادشاهی اسپانیا افزود اقبای هائیتی را نیز به روی تاریخ جهانی تخیل گشود. در آن روز آزارا کپا، ساکنان بومی هائیتی، بی‌آنکه خود بدانند در اثر بازی اسرارآمیز سرنوشت به سرخپوستان هیسپانیولا مبدل گشتند. در دهه‌های بعدی، اروپائیان با استفاده از همان افسون سماتیک (مربوط به معانی کلمات) دنیای جدید را به طرز دیوانه‌واری مورد تاخت‌وتاز قرار دادند و آن را به قطعات بسیار تقسیم کردند. این استعمارگران چنین می‌پنداشتند که سیاهپوستان، اعم از قبایل ایبو، بامبارا، اوتولوف، پول، ماندینگ، آرادا و دیگر اقوام آفریقایی کاملاً فاقد هویت آفریده شده‌اند. سپس به شیوه باز ظاهراً صحیح (ولی این بار در جهت بالا بردن شان موجود انسانی) از ملت‌های اسپانیا، انگلستان، فرانسه، پرتغال و هلند سفیدپوستان بوجود آوردند که سرزمینهای آمریکا را (اسم عام دیگری که به طرز مجزّه آسایی ایجاد شده است) میان خود تقسیم کردند. بعدها علاوه بر سرخپوستان، سیاهپوستان و سفیدپوستان که قبلاً ایجاد شده بودند گروه‌های گوناگونی از نژادهای آمیخته به علت جوشش و غلبان زادبولد در این مناطق به نوبه خود آمدند تا در میان بدبختی و هوی و هوس به طیفی از کشمکشها و رنگ‌آمیزیها که نفس خود رنگین‌کمان را قطع می‌کسرد شکل دهند.

از آن زمان به بعد حادثه تاریخی هائیتی از نوعی سوررئالیسم عامیانه و باروک که در تاروپود حوادث دسته‌جمعی و کلاف انفرادی سرنوشتها با فراوانی یکسانی ظاهر شد، جدایی‌ناپذیر گشت. از سال ۱۶۹۲ تا سال ۱۶۹۷ یعنی تا زمانی که دو امپراطوری اسپانیا و فرانسه با عقد قرارداد ریسویک در جزیره هیسپانیولا - که از آن پس به دو مستعمره متمایز تقسیم گشت - به یک توافق موقت نایل آمدند هزاران افسانه به‌طور درهم و برهم از برخوردی دزدان دریایی و از سرگذشت ماجراجویانه غارتگرانه آنها و راهزنان و شکارچیان گاوهای وحشی بهم بافته شد و قصه‌های حیرت‌انگیز بسیاری راجع به ایستادگی و قتل عام قبایل سرخپوست کارائیب ساخته شد. ◀

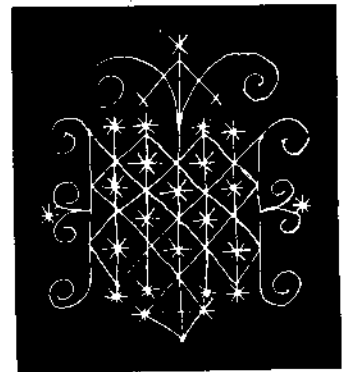
این دنیای پر جوش و خروش تخیلی با واقعیات ناشی از موفقیت‌های عظیم اقتصادی که ترورد در کشتزارها و کارگاه‌های بردگان حصول آن را امکان‌پذیر می‌ساخت پیوند داشت. رونق اقتصادی افسانه‌ی سن - دومینگ در جریان خرید و فروش انسانها که دنیا را از خشم و سروصدای بی‌سابقه پرمساخت کشتیهای بادبانی بازرگانی را از طلا، نیل، مروارید، سنگهای قیمتی، ادویه، پنبه، قهوه و شکر انباشته می‌کرد.

در طول مدتی که خرید و فروش بردگان و چوب آبنوس در شرایط باور نکردنی و رهم‌انگیزی انجام می‌گرفت شکستهای تاریخی هائیتی بجای آنکه در یکنواختی دردناک کار اجباری به‌سستی و نابودی گراید از مقاومت بردگان در برابر سرنوشت اسفباری که بدانها تحمیل شده بود، نیروی تازه‌ی دریافت داشت. آفریقایی‌ها و فرزندانشان از ناامنی‌یی که به تمام نسوج بدن آنها نفوذ کرده بود حتی برای بی‌ریزی مجدد پایه‌های درهم شکسته هویت خود نیروی محرکه لازم را بدست آوردند. با وجود فشار محروم کننده از فرهنگ تبلیغات مسیحی که با شلاق، آهن داغ کرده و تبیض

Photo © Editions Skira, Genève



به‌عقیده من همه این چیزهای شگفت‌انگیزی که از کله انسانهای بدون فرهنگ، بدون فن و بدون هیچگونه راه‌ما بیرون می‌آیند زائیده تخیل آنهاست. فیلیپ - اوگوست سالنا و نقاشی کشور خود را بنا چنین عباراتی توصیف کرده است. این هنرمند مشهور هائیتی در سن ۵۳ سالگی به نقاشی آغاز کرده است. یکی از آثار مهم وی تصویر باغ پر گل و گیاهی به نام «باغ عدن» است که گوشه‌ی از آن را در اینجا مشاهده می‌کنید.



در صفحه سمت چپ یکی از تصاویر مجسم‌کننده «بارون سامدی» از آندره بی‌یر نقاش معاصر هائیتی را که در عین حال از کشیشان آیین «وودو» Vaudou بشمار می‌رود مشاهده می‌کنید. بارون سامدی در آیین اسطوره‌ی «وودو» عبارت از رئیس «یواها» Ioaas یعنی ارواحی است که با آیین پرستی مردگان ارتباط دارند. تصویر سمت چپ یکی از معتقدان به آیین «وودو» را که تحت تسلط روحی قرار گرفته و جن‌زده شده است نشان می‌دهد که طی یکی از تشریفات یک «وو» (گذرنامه جادویی یوآ(روح)) ترسیم می‌کند. در بالا یک «وو» جادویی دیگری دیده می‌شود. آیین «وودو» از یک مراسم مذهبی تلفیقی سرچشمه می‌گیرد که در آن مسیحیت با معتقدایی که منشا آفریقایی دارند درهم آمیخته‌اند. برده‌ها با پوشاندن صورتک‌های سفید به‌خدایان سیاه آیینی برای دفاع و مبارزه به شیوه نمادی و اسطوره‌ی ابداع نمودند که با سخنگوی نیازمندیهای عاطفی اجتماعی و فرهنگی آنها بود. «وودو» درهائیتی مشابه آیینی است که در برزیل کانوومبله و در کوبا سانتر یا نام دارد.



پژوهشگاه علوم انسانی  
پرتال جامع علوم انسانی

نزادی مجرب بود بردگان توانستند که پریشانی و محنت زندگی خود را به عوامل خلافت مبدل سازند.

این بردگان بجای اینکه تعالیم دینی استعماری را مطیعانه در خود جذب و مستحیل سازند آنها را با معتقدات مذهبی یورپا، فانتیا شانتی، باتو، کنگو و فون ترکیب و هماهنگ کردند و نیروی ذهنی و تخیل دسته جمعی به این معتقدات وظایف تازیهی بخشید که با نیازمندیهای عاطفی و اخلاقی کلنی آمریکایی پیوند داشت. در پرتو این دکترینی هویت، اساطیر و سنن گذشته آفریقا دراصل و قواعد تازه زندگی، در نوع کاملاً اصیل احساس، تخیل، تصور، اندیشه و عمل نیروی تحریک تازهی بدست آورد. بردگان توانستند طرحهای متناقض یک میراث فرهنگی دوگانه و حتی سه گانه را که میان آفریقا، اروپا و دنیای سرخپوستان آمریکا مورد کشمکش بود به الگوهای تازهی مبدل سازند که برای آموختن یک روند ملی در میان درد و رنج و ایجاد عوامل تقویت کننده فرهنگ و تمدن هائیتی از نیروی محرکه کافی برخوردار بود.

در پایان قرن هجدهم میلادی «وودو» به عنوان یک پسیکودرام (شیوه تحلیل روانی برای تشخیص و مداوای برخی از اختلالات روحی) یا سیستمی از تسکین روانی ناشی از حالت خلسه، بوجود آمد. در روزهای مبارزه به منظورهایی از تسلط بیگانگان افراطی و شرفکری که رهبری جنگهای استقلال طلبانه را در هائیتی به عهده داشتند جامعه سری «وودو» را به هئته نهضتی برای مقاومت و بسیج تودهها مبدل ساختند.

مبارزه برای استقلال روز نوزدهم اوت سال ۱۷۹۱ با تشریفاتی که در بوا - کایمن انجام گرفت آغاز شد. در صحنه‌های شایسته تخیل یک داستان پرداز گوئیگ، گروه‌هایی از سپاهپوستان مارون که طبق فرمان بوکمن گرد هم آمده بودند اراده خلل‌ناپذیر خود را برای دست‌یابی به هدف با توفندگی یک طوفان

۱- هیئت تحریریه: سپاهپوستان سرکشی که کشتزارها را ترک می‌کردند و به کوهستانها پناه می‌بردند تا در آنجا گروه‌های مقاومت در برابر بردگی تشکیل دهند.

جوی درهم آمیختند. شورشیان در میان غرش خشم آلود تندباد و ریزش سیل آسای باران و ضمن خوردن خون یک خوک تازه کشته شده و در یک حالت خلسه آمیز از آذرخش برای تأیید پیمان خود مبنی بر زندگی آزاد یا مرگ، امضا گرفتند. از همان شب تا نبرد قطعی ورتیر در هجدهم نوامبر سال ۱۸۰۳ جزیره در میان شعله‌های آتش و سیل خون بسز برد. بدینسان مقاومت هائیتی در مقابل بردگی در یک فضای مسحور کننده از حماسه عبارت از مقاومت توده‌های مظلومی بود که گویی از خواب گران سر برداشته بودند تا برای تحقق نخستین پیروزی نهضت استعمار زدایی در تاریخ جهان از هیچگونه دلاوری و فداکاری دریغ نوزند.

همه رهبران این جنبش پیشرو، چه از نظر خصوصیات شکفت‌انگیز زندگی خود و چه از نظر شرایط اسف‌انگیز مرگشان، هنوز تأثیر خود را در ذهن مردم هائیتی حفظ کرده‌اند. در میان آنها نخستین نفر از لحاظ تاریخ ما کاندال نام دارد. این پیامبر یکدمست تا زمانی که در یکی از میدان‌های کاپ - فرانسه زنده زنده در آتش سوزانده شد، مدت چهار سال تمام کشتزارهای مناطق شمالی جزیره را در محیطی از وحشت و پست و شکستی نگاهداشت. مدت بسیار زیادی پس از اعدام وی در بیست و نهمین روز ۱۷۵۸ او را به عنوان یک درخت متحرک و یا به عنوان یک حیوان اهلی ویا یک پرندۀ شکاری روشن بین بازشناختند.

پس از بوکمن، سپاهپوست غول‌بیکسر آذرخشهای بوا - کایمن، توسن لوورتور با به میدان نهاد که مساح بزرگ طوفانهای بود که از آن هائیتی بوجود آمد. در نظر وی هیچ چیز جز آزادی عمومی بردگان سن - دومینگ از قدرت شگرف برخوردار نبود. او هنگامی که در اوج عظمت خود قرار داشت و نزدیک بود به این آرزوی بزرگ تحقق یخشد که ناگهان طبق دستور ناپلئون دستگیر گردید و به اسارت به فرانسه برده شد و سرانجام در سحرگاه یکی از روزهای بسیار سرد منطقه کوهستانی ژورا در قلعه ژو از اندوه غربت جان سپرد. دسالین، جانشین الهام شده وی در نهال نغمه‌پرداز و غذا دهنده آزادی که توام با رؤیاهای توسن لوورتور تازه زیر برفهای کشور دور دست خارجی مدفون گشته و از میان رفته بود ریشه‌های تازه‌ی روایت. او هم تنها دو سال پس از تشکیل یک ملت در پون - روز زیر رگیار مسلسل مردم هائیتی از پای درآمد. جسد متلاشی شده وی توسط پیررن دیوانه‌ی جمع‌آوری گسردید. و در نیمه‌های یک شب ظلمانی در حالیه وی درباره این شکنجه و شهادت مناطق گرمسیری زیر لب غرق می‌کرد، بھاك سپرده شد.

پدر دیگری که شعله عشق وطن در دلش زبانه می‌کشید هائری کریستف نام داشت. او آتش افسانه‌هایی را که تا کنون مانع گردیده تا هائیتی از سرما جان بسپارد بیش از همه مشتعل تر ساخت. به او «پتر کبیر خورشیده» لقب داده‌اند. زیرا وقتی به سلطنت رسید در قصر خود به نام سان-سوسسی - برای هر روز سال دری احداث نمود و در قلعه یک کوه دژی ساخت که آندره مالرو حق داشت درباره آن چنین بگوید: «دژ کیوانی» دژی که ممکن نبود مورد حمله قرار گیرد یا کسی در آن سکونت گزیند مگر زومبیهایی کسانی که آن را بنا کرده‌اند. ما به سال ۱۹۴۲ در یکی از سینماهای پورت-سازپرنس با کمال شگفتی سخنان آلزو کارانتیه را که برای نخستین بار راجع به این ویرانه‌های محل آمدوشد ارواح و اشباح در طی یک سخنرانی - که حاوی اندیشه‌های تابناکی در مورد شکوه



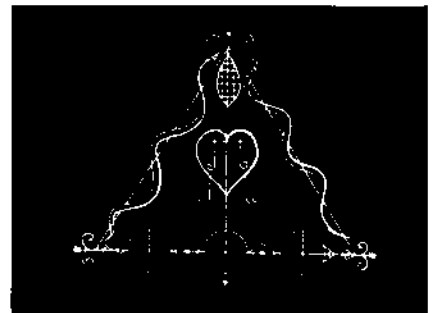
ریشه‌های تاریخی خود آبیاری می‌شوند، مواجه ساخته است. از استادان مسلم این نوع رنسانس می‌توان ژاک‌رومن و ژاک‌استفن آلکسیس را نام برد. در کتاب «فرمانروایان ششم» و «رفیق ژنرال خورشیده» و در دیگر آثار برجسته این‌ده نویسنده رؤیا و واقعیت همیشه موفق می‌شوند که از خلال کنایات باشکوه مربوط به مبارزه برای یک زندگی بهتر در هائیتی با داده‌های روزانه محبت و زیبایی به‌طرز شگفت‌انگیزی در هم آمیزند. ژاک‌استفن آلکسیس که اثر خود را تحت تلقینات رؤیایی یک عموی افسانه‌یی، «باد کهنسال کارائیب» برشته تحریر درآورده اهمیت این جستجوی هویت را توصیف نموده و چنین نوشته است: «اگر «خارق‌العاده» را بتوان تخیلاتی دانست که ملتی تجربه خود را در آن می‌پیچد و بینش خود را از جهان و زندگی، ایمان و امید و اعتماد خود را به انسان و به یک شکل عالی عدالت در آن منعکس می‌سازد پس چه نامی باید بر آن نهاد؟ او با بالا بردن این بینشها و هرمدف ساختن آنها با بیانیتهای یک

Photo Warren E. Leon Jr. Editions Delroisse, Paris. Col. Galerie Georges Nader

اولین بار به بالا بردن ارزش منابع اصیل خلاقیت هائیتی آغاز کردند. ولی لازم آمد که باز چشم براه ماند تا سال ۱۹۲۷، یعنی زمانی که هائیتی تحت اشغال نظامی قرار داشت فرارند تا اینکه نسل دیگری به این کوشش مبهم و غیر آشکار برای دست‌یابی به هویت هنری در میان خیزشهای طراوت‌بخش واقع‌گرایی خارق‌العاده جهت قطعی دهد. یکی از آثار ژان پریس-مارس به نام «عمو بدینسان سخن گفت» بوجود آمدن شکل تازه‌یی را برای دفاع و توجیه ویژگیها و ارزشهای ملی ما اعلام داشت. مردانی مانند نورمیل سیلون، ژاک رومن، آنتونیوویو، امیل رومر، کارل پروار، لئون لالو و فیلیپ توبی-مارسلن برای بیان ادبی «غرابت و مشکلات یک فرد هائیتی بودن» شیوه‌های تازه‌یی ابداع نمودند. در میان این گروه از نویسندگان پیشتاز تعداد دیگری نیز از جمله ژان-ف. بریر، ف. موریسو - لوروا؛ روسان کامیل؛ کلمان ماگلووار، سن-اود مقام ممتازی دارند. شعله دیگری از نبوغ، نویسندگان چون رفه بلانس،

و عظمت ویران کشته و مصیبت‌زده آنها بود - بیان می‌کرد شنیدیم. کارائیبیه در آن شب با همان لحنی سخن می‌گفت که پابلو نرودا در برابر چشم‌انداز گیب کنتنه ماکشویکشو با آن صحبت کرده بود. استاد کوبایی به تجلی واقعیت خارق‌العاده آمریکایی که در سالهای بعد می-بایست آثار داستانی و خاصه شاهکار وی موسوم به «یکی از قلمروهای سلطنتی این دنیا» را بارور سازد، کاملاً پی برده بود. این شاهکار با الهام مستقیم از اشکال نامنظم هندسی و رؤیاهایی بوجود آمده بود که کریستف پادشاه افتخار داشت که بدانها واقعیت بخشیده است. و سرانجام پس از کریستف نوبت پرزیدنت آلکساندر پتیون فرارسید که اگرچه نخست هرگز بنظر نمی‌رسید که تقدیر برای او سرنوشت جالبی از پیش رقم زده باشد ولی او به فکر انجام دادن کار مهمی افتاد و آن کمک برادرانه‌یی بود که در حق سیمون بولیوار فراری می‌نمود داشت و سبب گردید که این یک درنبرد آیا کوشو؟ به پیروزی کامل نایل آید. در سایه پتیون، هائیتی که به عنوان یک خوشاوند ناچیز دنیای هیسپانو - آمریکا غالباً خوار و زبون شمرده می‌شد در نیمکره غربی به صورت نخستین کشوری درآمد که از سال ۱۸۱۵ چهره رؤیایی همبستگی ملت‌ها را به سوی همسایگانش برگرداند.

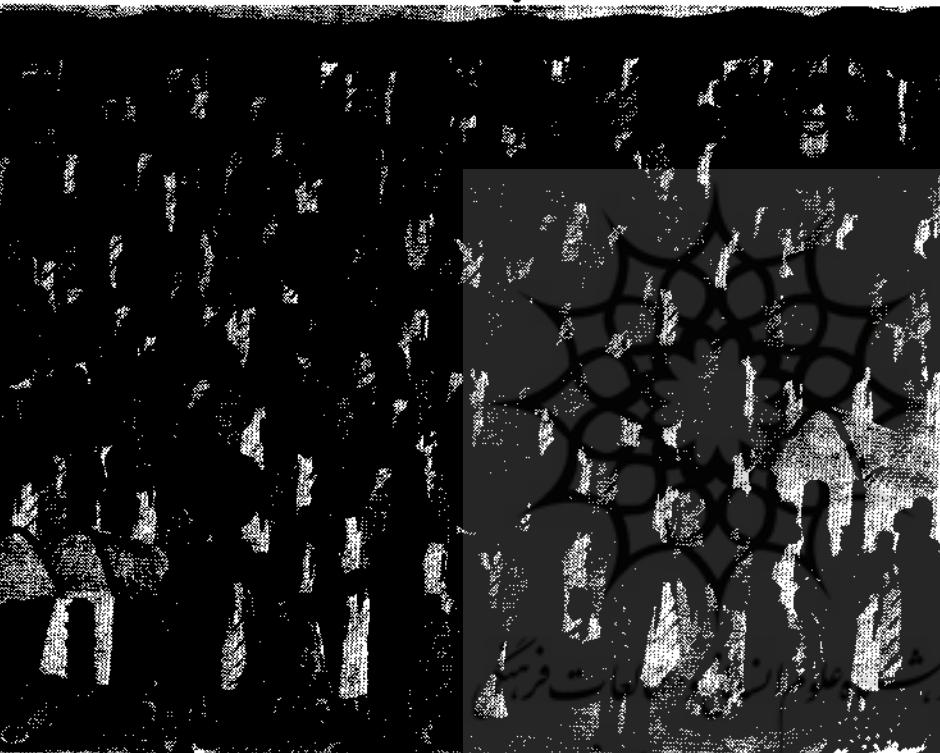
مطالبی که بیان شد برخی از اطلاعات تاریخی بنیانی هستند که چگونگی تکوین واقع‌گرایی خارق‌العاده مردم هائیتی را روشن



می‌سازند. کشوری که با ارائه چنین استعداد‌های فوق‌العاده وارد تاریخ کشورهای آمریکایی گردید می‌بایست به‌زودی افزایش تعداد این استعدادها را در قلمرو خاص ادبیات و هنر مشاهده کند. شگفتا که چنین چیزی امکان‌پذیر نکشت. تسلط استعماری که آثار آن در نهاد‌های اجتماعی هائیتی هنوز کاملاً از میان نرفته بود توانست با نیروی بیشتری بازگردد و روی اخلاقیات و بینشهای هنری طبقه روشنفکر جامعه بومی تأثیر بگذارد. این روند مربوط به بازگشت اندیشه‌های دریافت شده در دوران بردگی نقش ثمربخشی را که مفهوم «خارق‌العاده» ممکن بود در برخورداری فرهنگ ما از نیروی زندگی ایفا کند برای مدت طولانی عقیم گذاشت. نخستین آفرینندگان ما در قرن نوزدهم به تقلید مسخره‌آمیز توریهای ادبی و ابزارهای ذهنی کاملاً مخالف با واقعیتها و رؤیاهایی پرداختند که آگاهی عامیانه بدان در اساطیر و داستانهای اخلاقی و قصص ادبیات شفاهی شکل خاص می‌داد. نخستین پژوهش یک هویت هنری برای هائیتی در آثار شمیری اسوالد دوران و ماسیلون کوآگو و در آثار منور فردریک مارسلین، ژوستن لریسون فرناند هیرت و آنتوان اینوسان شکل گرفت. اینها کسانی بودند که برای

۱- هیئت تحریریه: شاعر و رجل سیاسی شیلی که در سال ۱۹۲۱ موفق به دریافت جایزه نوبل در ادبیات گردید.

۲- هیئت تحریریه: نبردی که در رهایی ملل آمریکای جنوبی از تسلط اسپانیایی‌ها نقش قاطعی داشت (۱۸۲۴).



کازیمیر لوران (متولد سال ۱۹۴۸) یکی از مشهورترین نقاشان «ابتدایی» هائیتی بشمار می‌رود، در یکی از تابلوهای وی به نام «خرید و فروش در هوای آزاده از دحام توفه انبوهی از مردم هائیتی را با رنگهای بسیار متنوع مشاهده می‌کنید که از نیروی زندگی سرشاری برخوردارند.

پل لاراک، ادریس سن-آماند، ژاک‌استفن آلکسیس، ماری شوموه، فرانسیس ژ. روا، روزبه دورسن ویل، لوسین لوموان و امثال اینها را روی صحنه آورد که به وسیله شعر و داستانسرایی امکان ترکیب بویای «خارق‌العاده» را با واقع‌گرایی نشان دادند همان خمیرمایه‌های غنایی هنوز در ساخته‌های نویسندگانی مانند داووتیز، آنتونی فلیس، ژرژ کاسترا پسر، سرژ لو کانسور، فرانک این، ژان-ریچارد لافورست، امیل اولیویه، زنه فیلوکت و غیره به‌طرز شگفت‌انگیزی در کارند. گروهی از نسل جوان هم وجود دارد که استعداد نویسندگی آنها در مجله‌یی موسوم به «پتی‌سامدی سوار» به‌یادگیری آغاز کرده و با چشمان ناز در آن افکار و اندیشه‌های خود را بیان می‌کنند. بنابراین هائیتی از پنجاه سال پیش به جای تقلید مسخره‌آمیز هنرهای وارداتی خود را شجاعانه با حادثه بزرگ اسرار و واقعیتهایی که از شعله درونی خود روشنایی دریافت نموده و با

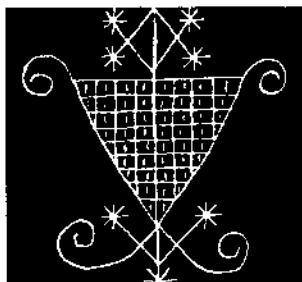
مکتب از شاعران، داستان‌نویسان، موسیقیدانان و نقاشان کشور خود دعوت کرد تا برای یاری به‌ملمت در جهت حل مسائل خاص خود و انجام دادن وظایفی که در رو در روی او قرار دارند از گنجینه قصص، افسانه‌ها، همه نمادهای مربوط به موسیقی، رقص، مجسمه‌سازی و همه اشکال هنر عامیانه هائیتی بهره بگیرند. این نقاشان هائیتی هستند که تاکنون توانسته‌اند با دقت بسیار زیاد و به‌طرز ستایش‌انگیز به برنامه هنری‌یی که به رومن و آلکسیس بازمی‌گردد تحقق بخشند. آنها با ولعی که در بکار بردن اشکال و رنگها داشته‌اند حس آگاهی مردم هائیتی را به درخشان‌ترین کانون هویتش رهنمون شده‌اند. آرزویی که آنتون مانگوتز، یکی از معماران هائیتی روزی آن را بیان کرده برآورده شد. و حس هماهنگی فوق‌العاده‌یی که مردم هائیتی از آن برخوردارند توانسته است تا در نقاشی تغییر شکل یابد. یکی از روزهای اواخر سال ۱۹۴۳ دبیر

انگلیسی ما در دبیرستان پتوبن به نام دویتپترز که از اهالی آمریکای شمالی و هلندی الاصل بود از کلاس ما خداحافظی کرد. او معلمی را ترک گفت تا یک مرکز هنری در پوت-اوپرئس تأسیس کند. نقشه او که در آن زمان اندکی عجیب بنظر می رسید در چهاردهم ماه مه سال ۱۹۴۴ در نخستین نمایشگاه نقاشی هائیتی که در آن موقع تشکیل گردید، تحقق یافت. رآلیسم خارق العاده سرانجام زبان خود را در هنرهای بصری پیدا کرد و این هنرها را وسیله‌ی برای الهام قرار داد. نقاشان که در آثار زاینده تخیل عامیانه اطلاعات گسترده‌ی داشتند و در تغییرات و تحولات خیال‌سایه‌ی برون گرایانه هائیتی آزموده بودند به‌دگرگون ساختن خاورستان قصص ساده و محضری که کودکان هائیتی را مجذوب خود می‌کنند آغاز کردند و آن را به فضاهای درخشان رنگها اشکال مکرر مبدل نمودند.

آنها ضمن کوچک شمردن گرایشها و علم معانی و بیان آکادمیک با عدالت افسوگراانه آثار نقاشی خود به‌قطره‌شبنمی که از قرنها باز روی برگ هائیتی رنجدیده می‌لرزد بعد یک حادثه هنری جهانی را دارند. ذکر نام همه هنرمندان این جنبش در اینجا - که برخلاف آنچه از حالت آنها برمی‌آید چندان هم ساده نیستند - مستلزم ایجاد فهرستی از اسامی خاص است که در آن ستارگان نخستین سیده‌دم جهان می‌درخشند؛ بنا بر این یگانه راهی که باقی می‌ماند اینستکه از این گروه استادان تنی چند را بطور پراکنده نام ببریم. آنها عبارتند از: هکتور هیولیت، فیلومه و سنک اوین، ریگونیوا، کاسترا بازیل، ویلسون بیگو، آنکراند گورگ، لوورتوریواسون، پرفت دوفو، میسیوس استفان، آندره بیر، فیلیپ اوگوست، سن-بریس، ژاسمن ژوزف، دیوودونه سدور، آنتونیو ژوزف، لوکنزالزار، لوس تورنیه، ماکس پینشینا، ژ. شری، برناردوا، داووتیز، لئوتوس، رولاند دورسلی، مینیوم کایمیت و بسیاری دیگر که با مهارت درخشان خود به دمیدن سینه تازه آفرینش در هائیتی یاری می‌کنند.

شاید در نهاد هنرمندان خلاق کشور، و بخصوص در نقاشان ساده و ابتدایی آن - همانگونه که در هر تمدنی بوقوع می‌پیوندد - این استعداد بودیعه نهاده شده است که همه آنچه را که در سراسر مجمع‌الجزایر وهم‌خیز کارائیب - از گس‌هان و کانیا گرفته تا جانوران و اسرار آمیزترین رؤیاهای جوامع - برای روابط انسانی، در صفا و سادگی و شیفتگی چشمها و قلوب، یک حالت شاعرانه و احترام دائمی می‌جویند، با ظرافت و صداقت تمام بیان کنند

رنه دیپتر



در بالا و در وسط تصویر یک چشم‌انداز و تصویر دیگری را که نشان دهنده دید وودوی پرفت دوفو است مشاهده می‌کنید. این دو تصویر جزو رشته‌ای باشکوه از تابلوهای موسوم به «شهرهای تخیلی» هستند که در آن نقاش از زادگاه خود شهر کوچک زاکمل، الهام گرفته است. در پایین تصویر مجلس رقص در پرت او پرنی را می‌بینید که توسط ریگونیوا (متولد سال ۱۹۱۱) نقاشی شده است. او به خاطر دقت و ذوق خاصی که در تصویر جزئیات داردهنرمند بسیار قابل توجهی شمرده می‌شود.

